

## تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور مروری انتقادی بر سیاست‌های تجاری و ارزی کشور در راستای حمایت از تولید ملی

علی زاهدطلبان\* مهدی خداپرست مشهدی\*\*  
احمد صباحی\*\*\* محمدرضا لطفعلی پور\*\*\*\*

### چکیده

تاکنون مطالعات نسبتاً معدودی در زمینه بررسی اثر نرخ‌های تعرفه بر واردات کل کشور انجام شده که نتایج چندان سازگاری با یکدیگر ندارند. در این مقاله با بررسی ویژگی‌های اصلی سیاست‌های ارزی و تجاری ایران، اثر واقعی نرخهای تعرفه و ارز در تابع تقاضای واردات را نسبت به متغیرهای توضیحی تولید ناخالص داخلی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی، نرخ تعرفه و قیمت ارز با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) تخمین زده‌ایم. نتایج مطابق با تئوری بوده و واردات با تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و با قیمت‌های نسبی، نرخ ارز و نرخ تعرفه رابطه منفی دارد. ضرایب بلندمدت بدست آمده برای تمامی متغیرها به جز تعرفه معنی‌دار بوده که حاکی از خنثایی و فقدان اثر بلندمدت تعرفه‌ها بر تقاضای واردات است. این نتیجه برای ایران که دارای یکی از حمایتی‌ترین رژیم‌های تعرفه‌ای دنیا است تناقض‌آمیز بنظر می‌رسد، اما مروری انتقادی بر عملکرد سیاست تجاری ایران و عدم پشتیبانی آن با سیاست‌های ارزی مناسب نشان می‌دهد که اثر واقعی نرخ‌های تعرفه بسیار کمتر از نرخ‌های اسمی بوده و چنین نتیجه‌ای را تایید می‌کند. در خاتمه فهرستی از اصلاحات و توصیه‌های سیاستی در راستای حمایت واقعی از تولید ملی نیز ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست تجاری، تابع واردات، موانع تعرفه‌ای، مدل خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی.

\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد alizahedtalaban@gmail.com

\*\* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤل) m\_khodaparast@um.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد sabahi@um.ac.ir

\*\*\*\* استاد گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد lotfalipour@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۸

## ۱. مقدمه

سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای ج.ا. ایران طی سالیان متمادی و بر حسب ظاهر، یکی از حمایتی‌ترین سیاست‌های تجاری ممکن در دنیا بوده، به نحوی که غالباً ایران را در صدر اقتصادهای حمایت‌گرا نشانده است. رجوع به شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه نظیر تجارت فرامرزی و میانگین نرخ تعرفه‌ها موید کاربست شدید سیاست‌های حمایتی در ایران است. اما اینکه آیا این حمایت‌های اسمی، واجد اثرات بلندمدت در تابع واردات و ایجاد حمایت واقعی از تولید ملی بوده است یا خیر، موضوع اصلی این مقاله است. برای این منظور ابتدا ادبیات موضوع در حوزه سیاست تجاری و اثر آن در اقتصاد به اختصار طرح و مطالعات انجام شده در این زمینه مرور خواهد شد. سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی، از طریق میانگین نرخ‌های تعرفه گمرکی در سطح کل اقتصاد و بخش کشاورزی و صنعت محاسبه و رتبه مقایسه‌ای ایران در میان کشورهای دنیا نشان داده خواهد شد و به ویژگی‌های سیاست‌های غیرتعرفه‌ای ایران نیز اشاره خواهد شد. سپس با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی، اثر واقعی و بلندمدت نرخ‌های تعرفه و ارز در تابع واردات کشور بررسی و نتایج آن تفسیر و با نقد سیاست‌های تجاری و ارزی و نتیجه‌گیری از آن، توصیه‌های سیاستی لازم برای اصلاح وضع موجود ارائه خواهد شد.

## ۲. ادبیات موضوع

به اعتقاد اقتصاددانان نئوکلاسیک، تجارت آزاد بنا بر تجربه بسیاری از کشورها "موتور رشد" اقتصادی محسوب می‌شود. بنابراین حذف یک‌جانبه و چندجانبه محدودیت‌های تجاری را توصیه می‌کنند. آنها در مطالعات خود نشان می‌دهند که حتی اختلالات کوچک تجاری که دولت بر سر راه معاملات و مبادلات بین‌المللی ایجاد می‌کند می‌تواند به‌طور اساسی باعث کاهش بهره‌وری سرمایه و در نتیجه، کاهش رشد اقتصادی در یک دوره نسبتاً بلندمدت انتقالی گردد (Jong, Wha-Lee, 1992).

برخی دیگر از اقتصاددانان همچون کالدور (Kaldor, 1940) و گراف (Graff, 1949) با نظرات فوق مخالف بوده و با طرح تعرفه بهینه (Optimum Tariff) معتقدند که وضع تعرفه در سطح بهینه، می‌تواند برای کشور وضع‌کننده، نافع باشد. "تعرفه بهینه"، سطحی از مالیات است که قادر است از طریق بهبود رابطه مبادله و خنثی نمودن اثرات منفی مالیات (به دلیل محدودیت تجاری)، منافع کشور وضع‌کننده را حداکثر سازد.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۲۵

کاهش موانع تجاری تجاری، می‌تواند منجر به کارایی تخصیص شده و رشد اقتصادی را با ایجاد محیط رقابتی و کاهش هزینه‌ها افزایش می‌دهد، هرچند که در کوتاه مدت ممکن است به دلیل کاهش حمایت از برخی صنایع داخلی منجر به کسری تراز پرداخت‌ها شود. (Khan and Zahler, 1985)

نظریه "سیاست راهبردی تجاری" (Trade Strategic Policy) یکی از مهمترین نظریه‌های تجدیدنظر شده متعارف اقتصادی موافق با سیاست تجاری و صنعتی است. این نظریه به جای مفهوم مزیت نسبی بر مفهوم "مزیت رقابتی" تاکید دارد. منظور از مزیت رقابتی این است که مزیت در تولید کالا یا خدمت تنها ریشه در وفور عوامل تولید ندارد؛ بلکه می‌توان آن را خلق کرد. راهکار کسب مزیت، تدوین سیاست راهبردی تجاری و صنعتی و بکارگیری ابزارهای حمایتی تعرفه‌ای، یارانه صادراتی، مزایای مالیاتی و طرح‌های همکاری مشترک دولت و صنعت است. (کروگمن، ۱۳۷۷)

در چارچوب تئوری‌های رشد درون‌زا، امکان وجود رابطه بلندمدت میان سیاست تجاری و رشد اقتصادی به طرق مختلف تشریح گردیده است. با آزادسازی واردات انتظار این است که انتقال تکنولوژی از طریق ورود کالاهای سرمایه‌ای با فناوری بالا، فرایند انتقال تکنولوژی تسهیل گردد. از این‌رو استراتژی توسعه صادرات نسبت به استراتژی جانشینی واردات دارای عملکرد رضایت‌بخش‌تری است. (لطفعلی پور و همکاران ۱۳۹۱)

### ۳. مرور مطالعات پیشین

#### ۳-۱. مطالعات داخلی

بیدآباد (۱۳۷۶) در الگوی اقتصادسنجی کلان خویش معادله‌ای برای واردات تصریح کرده است که در آن واردات تابعی از نرخ ارز مؤثر، شاخص قیمت واردات، درآمد ناشی از صادرات کالا و خدمات، تولید ناخالص داخلی و حساب سرمایه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که نرخ ارز مؤثر و شاخص قیمت واردات تأثیری منفی و تولید و حساب سرمایه تأثیری مثبت بر واردات دارند.

پورمقیم (۱۳۷۹) در مطالعه دیگری به برآورد سری زمانی تابع تقاضای واردات ایران برای دوره زمانی ۷۵-۱۳۳۸ پرداخته است. یافته‌های مدل حاکی از آنست که عامل قیمت نسبت به متغیر سطح فعالیت (تولید ناخالص داخلی منهای صادرات) در تابع

تقاضای واردات نقش کمرنگ‌تری دارد. این نتیجه در حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوتی ندارد. بطور کلی عامل درآمد نقش تعیین‌کننده در تابع تقاضای واردات ایران دارد.

محسنی، رضا (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر ۹ قلم کالای وارداتی منتخب در قالب طبقه‌بندی کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای مبتنی بر رویکرد هم‌انباشتگی انگل-گرنجر طی دوره (۸۲-۱۳۶۰) می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که با آزادسازی تجاری، تقاضای واردات در تمامی گروه کالایی منتخب بیش از یک و نیم برابر افزایش می‌یابد، اما بعد از آزادسازی تجاری ترکیب واردات بیشتر به سمت کالاهای سرمایه‌ای میل می‌کند.

ابریشمی، مهرآرا و محسنی (۱۳۸۵)، تأثیر آزادسازی تجاری بر صادرات و واردات برخی از کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب، از جمله ایران را با استفاده از داده‌های ترکیبی بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، صادرات با قیمت‌های نسبی رابطه‌ی منفی و با درآمد جهانی رابطه‌ی مثبت داشته است. از طرف دیگر، کاهش تعرفه‌های وارداتی و آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد واردات کشورهای در حال توسعه مانند ایران داشته است.

تشکینی و باستانی (۱۳۸۵) به تخمین توابع تقاضای واردات به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی برای دوره‌ی زمانی ۸۲-۱۳۳۸ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (SUR) می‌پردازد. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در قیمت‌های نسبی به‌ترتیب باعث افزایش واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای به میزان ۱,۲-، ۳۸,۰- و ۳۵,۰- درصد می‌شود. از سوئی یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی به‌ترتیب باعث افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به میزان ۶۱,۰ و ۲۱,۰ درصد می‌شود.

لطفعلی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه دیگری برای به دست آوردن رابطه بین واردات کالاها و آزادسازی تجاری طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۰ از مدل اقتصادسنجی خود رگرسیو با وقفه‌های توزیعی استفاده کرده‌اند. یافته‌های تحقیق مذکور حاکی از آن است که تقاضا برای واردات کالا در ایران، نسبت به قیمت‌های نسبی و تولید ناخالص داخلی واقعی در بلندمدت و کوتاه مدت با کشش و نسبت به نرخ تعرفه وارداتی بی‌کشش است در حالی که با آزادسازی کامل تجاری، کشش واردات کالاها افزایش خواهد یافت.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۲۷

زهره صالحیان صالحی نژاد، سلیمان فیضی و حسن حیدری (۱۳۹۱) در مطالعه دیگری با استفاده از دو روش غیرخطی مارکف- سوئیچینگ با تغییر رژیم آنی و روش پارامتر زمان- متغیر با تغییر رژیم تدریجی به بررسی پویایی کشش تراز تجاری غیرنفتی نسبت به نرخ ارز برای دوره ۸۹-۱۳۳۸ در ایران پرداخته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که تأثیر مثبت نرخ ارز واقعی بر تراز تجاری فقط در دوره‌هایی مشاهده می‌شود که نرخ ارز واقعی افزایش یافته است.

نسرین ابراهیمی، کریم آذربایجانی و کمیل طیبی (۱۳۹۳) در مطالعه خود به بررسی اثرات موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر تجارت صنعتی ایران با استفاده از مدل تصحیح خطا پرداخته‌اند نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در بلندمدت بر تجارت صنعتی ایران مؤثر است، حال آنکه این موانع در کوتاه مدت تأثیر معنی داری بر صادرات و واردات بخش صنعت ندارند.

### ۲-۳. مطالعات خارجی

هوتاکر و مگی (Houthakker and Magee, 1969) در مطالعه مشترک خود از الگوی زیر برای تابع واردات استفاده نموده‌اند که به شرح زیر است:

$$\text{Log}(M_{it}) = A_{0t} + A_{1t} \text{Log}(Y_{it}) + A_{2t} \text{Log}\left(\frac{PM_{it}}{WP_{it}}\right) + U_{it}$$

که در تابع واردات فوق  $M_{it}$  واردات  $i$  امین کشور،  $Y_{it}$  شاخصی از تولید ناخالص ملی کشور واردکننده و  $PM_{it}$  و  $WP_{it}$  نیز به ترتیب شاخص قیمت واردات به  $i$  امین کشور و شاخص قیمت عمده‌فروشی در کشور واردکننده است و در ادامه مدل تقاضای واردات پویای زیر تصریح شده است:

$$\text{Log}(M_t) = D_0 + D_1 \text{Log}(M_{t-1}) + D_2 (\text{Log}Y_t - \text{Log}Y_{t-1}) + D_3 (\text{Log}P_t - \text{Log}P_{t-1}) + e_t$$

نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که واردات رابطه معکوس با قیمت‌های نسبی و رابطه مثبت با درآمد (تولید داخلی) دارد.

خان (Khan, 1974) در مطالعه خود در مورد ۱۵ کشور در حال توسعه، تقاضای واردات در این کشورها را به عنوان تابعی از قیمت‌های نسبی و درآمد واقعی داخلی، در حالت تعادلی و عدم تعادل استخراج نمود و به این نتیجه رسید که قیمت‌های نسبی و درآمد داخلی واقعی نقش بسیار مهمی در رفتار تقاضای واردات کشورهای در حال توسعه دارند.

دین و همکاران (Dean et al, 1994)، درآمد مالیات بر واردات را قبل و بعد از انجام اصلاحات تجاری مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که به‌دنبال سیاست‌های آزادسازی، رشد واردات افزایش یافته است. اما به طور قطع نمی‌توان بر یک رابطه محکم بین آزادسازی تجاری و رشد واردات، آن هم بر پایه کاهش تعرفه‌های وارداتی تأکید نمود.

داتا و احمد (Dutta and Ahmed, 2001)، در مطالعه‌ای به بررسی رفتار جمعی تابع تقاضای واردات برای هند طی دوره زمانی (۹۵-۱۹۷۱) مبتنی بر رویکرد نوین هم‌انباشتگی یوهانسون و مدل‌سازی تصحیح خطا پرداختند. نتایج برآورد شده معادله کوتاه‌مدت برای واردات حاکی از آن است که تابع واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی حقیقی حساس‌تر بوده و نسبت به تغییرات قیمت وارداتی از حساسیت پایینی برخوردار است.

سائتوز و پائولینو (Santos and Paulino, 2002)، اثر کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را بر واردات ۲۲ کشور در حال توسعه با استفاده از تکنیک‌های پویای داده‌های پانل در طی سال‌های (۹۷-۱۹۷۶) مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه حاکی از این است که تعرفه‌های واردات، منجر به کاهش رشد واردات می‌شود. ولی این اثر با توجه به کشور و نوع رژیم سیاست تجاری موجود در آن متفاوت است.

کریس جونز (Chris Jones, 2008) با توجه به داده‌های آماری دوره ۱۹۹۳ الی ۲۰۰۴ و با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل داده‌های تلفیقی و در چارچوب یک مدل رقابت ناقص به تخمین کشش‌های تقاضای واردات برای ۱۰ کشور آفریقایی پرداخت. نتایج مطالعه او نشان داد که تابع تقاضای کل واردات در سطح کشوری تقریباً با کشش بوده، هر چند که میزان کشش تقاضای کل واردات کشورها چندان بیشتر از کشش واحد نیست.

آریز و نیپانی (Arize and Nippani, 2010)، در مطالعه خود به بررسی رفتار تقاضای واردات در اقتصادهای آفریقا (کنیا، نیجریه و آفریقای جنوبی) با استفاده از داده‌های فصلی در طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۷۳) پرداختند و از مدل تصحیح خطای پویا (dynamic error-correction model) استفاده نمودند. نتایج نشان داد یک رابطه تعادلی بلندمدت بین واردات واقعی با درآمد واقعی، قیمت نسبی و ذخایر ارز خارجی وجود دارد.

هوکو و یوسوپ (Hoque and Yusop, 2010)، در مطالعه خود، اثر آزادسازی تجاری را روی واردات کل کالاها در بنگلادش با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۲۹

توزیعی (ARDL) در طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۷۲)، بررسی کردند. نتایج تجربی نشان داد که آزادسازی تجاری از طریق کاهش نرخ تعرفه، واردات کل را در کوتاه مدت افزایش می‌دهد، اما در بلندمدت ضریب آن بی‌معنی و کوچک است.

ساموئل گالایا میکا (Gaalya Micah, Samuel, 2015) به بررسی اثرات آزادسازیهای تجاری بر تقاضای واردات با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی در اوگاندا پرداخته است. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که یک ارتباط هم‌بسته بین واردات این کالاها و متغیرهای قیمت نسبی واردات، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ حقیقی موثر ارز، نرخ ذخایر ارزهای خارجی و درجه باز بودن تجارت وجود دارد.

#### ۴. سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی در سیاست تجاری ایران

تعرفه‌ها، شبه تعرفه‌ها و اقدامات غیرتعرفه‌ای از جمله متداول‌ترین ابزارهایی هستند که در سیاست تجاری به کار گرفته می‌شوند. در ایران حمایت از تولید ملی و جلوگیری از واردات بی‌رویه همواره از اهداف اساسی همه برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور و اسناد فرادست قانونی آن نظیر قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه بوده و از ابزارهای سیاست تجاری حداکثر استفاده ممکن به عمل آمده است. بر این اساس سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی که در قالب نرخ‌های تعرفه گمرکی قابل اندازه‌گیری است، عموماً بالا بوده و با سیاست‌های حمایتی غیرتعرفه‌ای نیز تکمیل شده است. برای نشان دادن این موضوع ذیلاً مهمترین ویژگی‌های اصلی سیمای سیاست‌های تجاری ایران را از نظر سطح و میزان حمایت‌ها به تفکیک در دو حوزه سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مورد بررسی قرار داده‌ایم.

#### ۴-۱. سیاست‌های تعرفه‌ای

حمایت‌های اسمی نرخ‌های تعرفه‌ای بالا از بارزترین ویژگی‌های سیاست تعرفه‌ای کشور محسوب می‌شود. برای نشان دادن این موضوع به بررسی وضع موجود و وضعیت مقایسه‌ای نرخ‌های تعرفه گمرکی در ایران و جهان در سطح کل اقتصاد و به تفکیک دو بخش کشاورزی و صنعت و همچنین شاخص تجارت فرامرزی پرداخته‌ایم که خلاصه نتایج آن در جداول شماره (۱) الی (۳) پیوست مقاله ارائه شده است. جدول شماره (۱) روند تغییرات میانگین ساده نرخ‌های تعرفه (حقوق ورودی) کشور در سطح کل اقتصاد و به تفکیک دو بخش کشاورزی و صنعت از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ را نشان

می‌دهد. همانطور که از جدول مذکور ملاحظه می‌شود، میانگین نرخ‌های تعرفه به جز دو ساله اخیر از روندی نسبتاً کاهنده برخوردار بوده است. با این حال برای نشان دادن وضعیت مقایسه‌ای نرخ‌های تعرفه کشور با سایر کشورهای جهان با استفاده از داده‌های موجود در پایگاه داده‌های تعرفه‌ای سازمان جهانی تجارت، اطلاعات و آخرین آمار قابل دسترس برای نرخ‌های تعرفه سایر کشورهای جهان متشکل از ۱۴۶ کشور استخراج گردید و از میان آنها فهرست بیست کشور اول جهان که از بالاترین نرخ‌های تعرفه برخوردار بودند به تفکیک در سه سطح کل اقتصاد، بخش کشاورزی و بخش صنعت تنظیم و مرتب گردید و سپس با توجه به میانگین نرخ‌های تعرفه ایران در سال مشابه برای هر یک از بخش‌های مذکور، رتبه ایران در میان آنها تعیین گردید که نتایج این بررسی‌ها در جداول شماره (۲) و (۳) ارائه شده است. همانطور که از جداول مذکور مشخص است، به رغم کاهش‌هایی که در نرخ‌های تعرفه ایران در یک دهه اخیر به وقوع پیوسته، اقتصاد ایران در زمینه حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای در زمره بسته‌ترین اقتصادهای دنیا قرار دارد و در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) هم در سطح کل اقتصاد و هم در بخش صنعت حائز رتبه دوم و در بخش کشاورزی حائز رتبه هشتم جهان شده است. بنابراین، سیاست‌های تعرفه‌ای اتخاذ شده در ج.ا. ایران بر حسب ظاهر، یکی از حمایتی‌ترین سیاست‌های تجاری ممکن در دنیا بوده به نحوی که ایران را در صدر اقتصادهای حمایت‌گرا با بیشترین سطح حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای نشانده است. همچنین بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ بانک جهانی در خصوص شاخص بین‌المللی سهولت کسب و کار (Doing Business)، ایران در زیرشاخص تجارت فرامرزی، حائز رتبه ۱۶۶ از میان ۱۹۰ کشور جهان شده است که حاکی از وضعیت نامناسب هزینه‌های مبادلاتی از جمله نرخ‌های تعرفه بالا در تجارت خارجی کشور است. {۱}

#### ۴-۲. سیاست‌های غیر تعرفه‌ای

استفاده وسیع و متواتر از ابزارهای غیر تعرفه‌ای نظیر محدودیت‌ها، سهمیه‌بندی، ممنوعیت‌ها و سیستم مجوزهای ورود از گذشته تاکنون نقش حائز اهمیت در ترکیب سیاست‌های تجاری ج.ا. ایران داشته است. این اقدامات و موانع تجاری گرچه بدلیل قوت و اثربخشی فوری آن در تحصیل اهداف تجاری، عموماً جذابیت زیادی برای سیاستگذاران و مجریان حوزه سیاست تجاری داشته است، اما پیامدها و آثار منفی فراوانی را نیز برای اقتصاد و فضای کسب و کار کشور به همراه آورده است که رتبه



تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۳۱

نازل ایران در شاخص‌های بین‌المللی زیربط نظیر شاخص سهولت کسب و کار انعکاسی از این واقعیت است. ممنوعیت‌ها، مجوزهای ورود، سهمیه‌های ارزی و مکانیزم تخصیص ارز برای واردات، مجوز عدم ساخت، مابه‌التفاوت سازمان حمایت و دهها اقدام دیگر از جمله اقدامات غیرتعرفه‌ای است که در قوانین و مقررات و ترکیب سیاست تجاری ایران به وفور از آنها استفاده شده است که جدیدترین آنها اعلام ممنوعیت ورود ۱۳۳۹ قلم کالا از اواخر خردادماه ۱۳۹۷ به دلیل محدودیت‌های ارزی است. {۲}

### ۵. بررسی اثر واقعی تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع واردات

بنا به بررسی که در بند قبل صورت گرفت، می‌توان تصدیق کرد که به‌طور اسمی سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای ایران بر محور حمایت‌گرایی‌های مطلق از تولیدات داخلی قرار داشته است. برای بررسی اثر واقعی حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و مبانی نظریه تقاضا تابع تقاضای واردات کل را تخمین زده ایم که در آن اثر نرخ‌های تعرفه به عنوان یک متغیر توضیحی در کنار سایر متغیرها از جمله متغیر نرخ ارز وارد مدل تابع تقاضای واردات شده و ضرایب آن مورد اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مدل مورد استفاده و نتایج آن در زیر ارائه شده است.

#### ۵-۱. تصریح مدل اقتصادسنجی برآورد تابع تقاضای واردات

تخمین مدل تقاضای واردات از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (Auto Regressive Distributed Lag "ARDL") صورت گرفته است. آمار و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و گمرک ج.ا. ایران جمع‌آوری و از نرم افزار Eviews استفاده شده است. دوره زمانی مورد بررسی، سال‌های ۹۴-۱۳۴۰ و شکل مناسب مدل نیز لگاریتم خطی است تا بتوان کشش‌ها و حساسیت هر یک از آنها را محاسبه نمود.

با توجه به مبانی نظریه تقاضای مصرف‌کننده و با عنایت به اینکه میزان تقاضا بطور کلی متأثر از دو عامل اصلی قیمت و درآمد واقعی است، تصریح مدل تقاضای واردات از روش همگرایی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی و با لحاظ اثر موانع تعرفه‌ای و نرخ ارز به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$\Delta LIM_t = \beta_0 + \sum_{i=1}^p \beta_{3i} \Delta LIM_{t-i} + \sum_{i=1}^q \beta_{2i} \Delta LGDP_{t-i} + \sum_{i=1}^r \beta_{3i} \Delta LRIP_{t-i} + \sum_{i=1}^m \beta_{4i} \Delta LNOEX_{t-i}^{i=0} + \sum_{i=1}^n \beta_{5i} \Delta LTAR_{t-i}^{i=0} + \beta_6 LIM_{t-1} + \beta_7 LGDP_{t-1} + \beta_8 LRIP_{t-1}^{i=0} + \beta_9 LNOEX_{t-1} + \beta_{10} LTAR_{t-1} + u_t \quad (1)$$

که در آن L نماد لگاریتم طبیعی، LIM ارزش واقعی واردات بر حسب قیمت‌های ثابت (۱۰۰=۱۳۸۳)، GDP ارزش واقعی تولید ناخالص داخلی بر حسب قیمت‌های ثابت (۱۰۰=۱۳۸۳)، RIP قیمت نسبی کالاهای وارداتی به قیمت‌های داخلی (نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت مصرف کننده)، NOEX قیمت ارز در بازار غیر رسمی (بر حسب دلار آمریکا)، TAR میانگین نرخ تعرفه وصولی از کالاهای وارداتی (از محاسبه نسبت مجموع ارزش حقوق گمرکی وصول شده از کالاهای وارداتی به ارزش کل واردات کالایی در هر سال)،  $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$  ضرایب پویای کوتاه مدت و  $\beta_6, \beta_7, \beta_8, \beta_9, \beta_{10}$  ضرایب بلندمدت هستند و  $u_t$  جمله اختلال تصادفی است.  $p, q, r, m, n$  وقفه متغیرهای وابسته و توضیحی مدل هستند که با آماره AIC آکائیک، مدل بهینه (صرفه جو) انتخاب می‌شود. همچنین، مدل تصحیح

خطا به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$(\Delta LIM_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_{1i} \Delta LIM_{t-i} + \sum_{i=1}^q \alpha_{2i} \Delta LGDP_{t-i} + \sum_{i=1}^r \alpha_{3i} \Delta LRIP_{t-i} + \sum_{i=1}^m \alpha_{4i} \Delta LNOEX_{t-i}^{i=0} + \sum_{i=1}^n \alpha_{5i} \Delta LTAR_{t-i}^{i=0} + \rho ECM_{t-1} + \epsilon_t^0) \quad (2)$$

که در آن  $\rho$  پارامتر سرعت تعدیل و ECM باقیمانده‌هایی است که از مدل همگرایی تخمین زده شده در معادله فوق به دست می‌آید.

## ۲-۵. نتایج تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج تجربی حاصل از برآورد مدل شامل آزمون ریشه واحد، آزمون هم‌جمعی و تخمین ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت متغیرها به شرح زیر بوده است:

### ۲-۵-۱. آزمون ریشه واحد

نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته در جدول شماره (۴) برای دو مدل با عرض از مبدا و با عرض از مبدا و روند زمانی برای دو حالت سطح و تفاضل مرتبه اول در پیوست مقاله ارائه شده است. همانطور که در بخش (۱) جدول مشاهده می-

شود، در حالت سطح و مدل با عرض از مبدا، فرضیه ریشه واحد تنها برای متغیر واردات رد می‌شود در حالیکه این فرضیه در سایر متغیرهای تحقیق در سطوح مرسوم آماری رد نمی‌شود. بنابراین تمامی متغیرها به جز واردات در سطح، دارای ریشه واحد هستند یا به عبارتی دیگر در سطح  $I(1)$  هستند. اما در تفاضل مرتبه اول تمامی متغیرها پایا هستند و به عبارت دیگر فرضیه ریشه واحد برای تمامی آنها رد می‌شود. در بخش (۲) جدول شماره (۴)، نتایج آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدا و روند زمانی برای دو حالتی که متغیرها در سطح و تفاضل مرتبه اول (یا به صورت نرخ رشد) هستند ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود فرضیه وجود ریشه واحد در حالت سطح فقط برای متغیر نرخ تعرفه رد می‌شود. اما وقتی متغیرها به صورت تفاضل مرتبه اول هستند این فرضیه برای تمامی متغیرها در سطح خطای یک درصد رد می‌شود بنابراین تمامی متغیرهای تحقیق در تفاضل مرتبه اول پایا هستند. به طور کلی می‌توان گفت که تمامی متغیرهای مدل در سطح  $I(1)$  هستند. بنابراین نمی‌توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی این مدل را برآورد کرد چون به خاطر وجود ریشه واحد در متغیرهای مورد بررسی، هیچگونه قطعیتی در مورد وجود رابطه بلند مدت بین تقاضای واردات و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. به منظور بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای تحقیق، باید فرضیه وجود همجمعی بین متغیرهای تحقیق آزمون شود. در این تحقیق از روش آزمون باندا ARDL برای آزمون وجود همجمعی (Cointegration) بین متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

#### ۲-۲-۵. آزمون هم جمعی

برای تخمین مدل (۱) با روش ARDL وقفه‌های بهینه را برای متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی با استفاده از آماره آکائیک مشخص کردیم. نتایج آماره آکائیک برای ۲۰ مورد از بهترین تخمین‌ها نشان داد که مدل  $ARDL(1,4,4,3,1)$  دارای کمترین مقدار عددی آماره آکائیک بوده و به عنوان مدل بهینه انتخاب می‌شود. بر این اساس تعداد وقفه بهینه برای متغیر وابسته واردات برابر ۱، برای تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP)، نرخ ارز بازار غیر رسمی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی و نرخ تعرفه به ترتیب برابر ۴، ۳ و ۱ خواهد بود {۳}. همچنین بر اساس تعداد وقفه‌های منتخب، مدل  $ARDL$  بهینه را با روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده‌ایم. به منظور بررسی وجود رابطه همجمعی یا همان رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق از آزمون F استفاده کرده‌ایم که

نتایج مربوطه در جدول شماره (۵) در پیوست مقاله ارائه شده است. همانطور که از جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود مقدار آماره  $F$  برابر ۴,۸۷۵ می‌باشد. از آنجا که با ترکیبی از متغیرهای  $I(0)$  و  $I(1)$  مواجه هستیم لذا بایستی مقدار آماره آزمون از باند بالای مقادیر بزرگتر باشد تا فرضیه عدم وجود رابطه همجمعی در سطوح مرسوم آماری رد شود. در این جدول ما مقادیر بحرانی را برای دو حد بالا و پایین برای سه حجم نمونه ۱۰۰۰ تایی (نمونه نامحدود)، ۵۵ تایی و ۵۰ تایی ارائه کرده‌ایم. در این تحقیق ۵۱ مشاهده داریم که بین دو حجم نمونه ۵۵ و ۵۰ قرار می‌گیرد. برای اطمینان بیشتر، از مقادیر بحرانی نمونه با حجم ۵۵ مشاهده برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنیم. مقدار آماره بحرانی در سطح ۵ درصد خطای آماری برابر ۴,۳۳۴ است. بر این اساس مقدار آماره آزمون از مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد بزرگتر است و بنابراین فرضیه عدم وجود رابطه همجمعی بین متغیرهای تحقیق در سطح ۵ درصد خطای آماری رد می‌شود.

#### ۵-۲-۳. تخمین ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت

نتایج تخمین ضرایب بلندمدت (کشش) در بخش الف، ضرایب کوتاه‌مدت در بخش ب و آزمون‌های تصریح خطا (الگوی ECM) که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط می‌دهد، در بخش ج جدول شماره (۶) در پیوست مقاله ارائه شده است.

نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس (آزمون ARCH)، خودهمبستگی سریالی (آزمون LM) و آزمون ژارک - برا (Jarque-Bera) به ترتیب حاکی از پذیرش فرضیه عدم وجود ناهمسانی واریانس، عدم وجود خودهمبستگی سریالی و نرمال بودن توزیع جمله خطای رگرسیون برآورد شده با روش ARDL می‌باشد. مقدار آماره آزمون رمزی (Ramsey) حاکی از پذیرش فرضیه تصریح درست مدل تحقیق می‌باشد. همچنین مقدار آماره  $R^2$  برابر 0.73 و مقدار  $R^2$  تعدیل شده برابر 0.65 می‌باشند که حاکی از قدرت توضیح دهندگی نسبتاً بالای متغیرهای توضیحی مدل می‌باشند.

#### ۵-۳. تفسیر نتایج مدل

نتایج برآورد ضرایب بلندمدت در بخش الف جدول (۶) نشان می‌دهد که تمامی متغیرها دارای علامت مورد انتظار هستند. ضرایب متغیرهای GDP واقعی، نرخ ارز بازار

آزاد و شاخص قیمت نسبی واردات در سطح ۱ درصد خطای آماری معنی‌دار است. بنابراین این متغیرها اثرات بلندمدت بر تقاضا برای واردات در اقتصاد ایران دارند. ضریب متغیر نرخ تعرفه در هیچ یک از سطوح مرسوم معنی‌دار نیست و لذا این متغیر تاثیر بلندمدت بر تقاضا برای واردات نخواهد داشت. بر اساس ضرایب برآورد شده انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل، یک درصد رشد در GDP واقعی منجر به رشد ۱,۷۹۳ درصد در تقاضای برای واردات در بلند مدت شود. این یافته نشان می‌دهد کسب درآمدی تقاضای واردات در اقتصاد ایران بزرگتر از یک بوده و به نوعی کالای لوکس محسوب می‌شود. مقدار عددی ضریب متغیر (لگاریتم) نرخ ارز بازار غیررسمی برابر ۰,۱۴۲- می‌باشد. بر این اساس انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل اگر نرخ ارز در بازار آزاد یک درصد رشد کند تقاضا برای واردات ۰,۱۴۲ درصد کاهش یابد. مقدار عددی ضریب متغیر (لگاریتم) قیمت نسبی برابر ۰,۴۶۱- است. بر این اساس انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل اگر قیمت نسبی واردات یک درصد رشد کند تقاضا برای واردات ۰,۴۶۱- درصد کاهش یابد.

در بخش ب جدول شماره (۶) نتایج تخمین ضرایب مدل تصحیح خطا (اثرات کوتاه مدت) ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود تمامی متغیرها اثرات کوتاه مدت روی تقاضای واردات دارند. بر اساس نتایج تخمین، اگر یک واحد به رشد نرخ تعرفه اضافه شود در کوتاه مدت منجر به کاهش ۰,۳۵۷ واحدی از رشد تقاضا برای واردات می‌شود. درحالی‌که این متغیر در بلند مدت تاثیری بر تقاضا برای واردات در اقتصاد ایران ندارد. همچنین ضریب جمله خطا ۰,۴۴۹- است که در سطح ۱ درصد خطای آماری معنی‌دار می‌باشد. بر این اساس چنانچه شوکی به واردات وارد شود و آن را از مسیر بلند مدت منحرف کند با پویایی‌های دو متغیر تمامی متغیرهای توضیحی در دوره بعد به میزان ۴۴,۹ درصد از انحراف ایجاد شده تصحیح و تقاضا برای واردات به مسیر بلند مدت نزدیکتر می‌شود که حاکی از سرعت تعدیل آن می‌باشد.

## ۶. نقد و بررسی دلایل اصلی ضعف حمایت‌های واقعی از تولید

همانطور که در قسمت‌های قبل دیدیم، حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی با اعمال نرخ‌های تعرفه بالا و بکارگیری ابزارهای غیرتعرفه‌ای، نقش پررنگی در سیاست‌های تجاری ایران داشته و دارد به نحوی که در حال حاضر ایران از نظر بالابودن نرخ حمایت‌های تعرفه‌ای در هر دو حوزه کشاورزی و صنعت تقریباً در صدر کشورهای

جهان قرار دارد. از طرفی در مدل رگرسیون برآورد شده برای تابع تقاضای واردات، نشان داده شد که نرخ‌های تعرفه فاقد اثر بلندمدت در تابع مذکور بوده‌اند. این نتیجه برای ایران که دارای یکی از حمایتی‌ترین رژیم‌های تعرفه‌ای دنیا است (در حال حاضر رتبه دوم) پارادوکسیکال و تناقض‌آمیز بنظر می‌رسد. اکنون پرسش اساسی آن است که چرا سیاست‌های تعرفه‌ای کشور به رغم وزن سنگین خود در مقایسه با سایر کشورهای جهان، فاقد اثرات بلندمدت در رفتار تابع واردات کشور بوده و خنثایی آن مورد تصدیق نتایج این مطالعه و برخی از مطالعات مشابه دیگر قرار دارد؟ اشکالات و کاستی‌های سیاست تجاری ایران کدامند و از چه نکات اساسی و مهم دیگری غفلت شده که فقدان آنها سیاست تجاری کشور را عقیم و بی‌ثمر ساخته است؟ می‌توان پاسخ به این سوال را در سه محور کلی شامل نقد سیاست‌های ارزی، ناکارآمدی سیاست‌های تجاری و ناکارآمدی سایر سیاست‌ها مورد بررسی قرار داد که در زیر به اختصار ذکر می‌شود. {۴}

#### ۱-۶. سیاست‌های ارزی نامناسب

هیچ سیاست تجاری در خلا عمل نمی‌کند و شرط موفقیت آن مانند هر سیاست اقتصادی دیگر، پشتیبانی و حمایت با مجموعه‌ای از سیاست‌های تکمیلی دیگر نظیر سیاست‌های مالی، پولی و به ویژه سیاست ارزی است. نرخ ارز مهمترین حلقه واسط ارتباط اقتصادی یک کشور با جهان پیرامون است و تنظیم درست آن متناسب با توان تولیدی و اقتصادی کشور نقش بی بدیلی را در جهت‌دهی به الگوی تجارت خارجی دارد و یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی قدرت رقابت قیمتی کشورها در واردات و صادرات است. انتخاب نظام ارزی مناسب و چگونگی تعیین نرخ ارز از موضوعاتی است که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به فراخور تغییر شرایط اقتصادی کشور دست‌خوش نوسانات متعددی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری بوده و همواره محل اختلاف نظرهای جدی میان سیاست‌گذاران و کارشناسان اقتصادی بوده است. انتخاب نظام‌های ارزی گوناگون در طول برنامه‌های توسعه کشور و تذبذب میان سیاست‌های کنترل دستوری نرخ ارز و نرخ ارز شناور بازتابی از بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی کشور و البته شرایط گوناگون و مختلف حاکم بر اقتصاد کشور نظیر جنگ تحمیلی، سقوط قیمت نفت، وفور درآمدهای نفتی، تحریم‌های اقتصادی و سایر شوک‌های سیاسی و اقتصادی دیگر است. با اینکه رژیم ارزی ایران که تا اوایل دهه ۱۳۸۰ به مدت چند دهه کاملاً تحت کنترل دولت بود، از ابتدای این دهه به شناور مدیریت‌شده تغییر یافت، اما تمایل

شدید دولت‌ها به تثبیت نرخ اسمی ارز بنا به ملاحظات سیاسی داخلی، باعث شد تا درعمل رژیم ارزی ایران در حرکت روندی خود ویژگی‌های یک رژیم ارزی ثابت و غیرمنعطف را داشته باشد و جز در مقاطع مختلف و از سر اجبار ناشی از شوک‌های عرضه یا تقاضا تن به اصلاحات تدریجی ندهد. این موضوع تبعات گسترده و عمیقی را از طریق مکانیزم قیمت‌های نسبی بر تولیدات داخلی و خارجی و تضعیف مداوم قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی و صادراتی به دنبال داشته است. اثرات مخرب سیاست تثبیت دستوری نرخ ارز و پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ آن به مدد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بر سیاست تجاری، از چندین جهت به تضعیف حمایت‌های اسمی می‌انجامد که عبارتند از:

۱- اضافه ارزشگذاری پول ملی و تضعیف بلندمدت صادرات و تشویق واردات: در شرایطی که تفاوت نرخ‌های تورم داخلی و خارجی در برخی سالها به بیش از ۲۰ درصد میرسد، تثبیت نرخ ارز می‌تواند اثر بسیاری از سیاست‌های تجاری را کاهش داده یا خنثی نماید.

۲- پایین بودن نرخ حمایت واقعی و اضافه‌نمایی نرخ حمایت اسمی تعرفه‌ها: تثبیت نرخ ارز در قیمت‌هایی کمتر از نرخ طبیعی بازار، اثر نرخ‌های تعرفه را به میزان شکاف بین نرخ رسمی و بازار آزاد خنثی نموده و از کارآمدی آن می‌کاهد. با توجه به اینکه مبنای محاسبه و تقویم ارزش ریالی کالاهای وارداتی برای اخذ حقوق گمرکی، نرخ رسمی ارز قرار دارد، بنابراین نرخ‌های اسمی تعرفه همواره متورم‌تر از نرخ واقعی آن بوده و اضافه‌نمایی دارد که بسته به میزان تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد، اثر واقعی نرخ‌های تعرفه به مراتب کمتر از اثر اسمی آن خواهد بود. در واقع تثبیت نرخ ارز به مدد درآمدهای ارزی نفتی در حکم اعمال نوعی تعرفه منفی (و یا یارانه به واردات) است که اثر نرخ‌های تعرفه اسمی را خنثی و به تضعیف بلندمدت قدرت رقابتی تولیدات داخلی و صادراتی می‌انجامد.

۳- انتقال شوک‌ها و نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی به حوزه سیاست تجاری: این نوسانات و شوک‌ها در کنار سیاست تثبیت نرخ ارز باعث شده است تا همواره سیاست‌های تجاری دنباله‌رو سیاست‌های ارزی باشد و در واقع به مثابه ابزاری برای جبران ناکارآمدی سیاست ارزی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بخش اعظم ناهنجاری‌های سیاست تجاری ایران نظیر بالا بودن نرخ‌های تعرفه، بی‌ثباتی سیاست‌های تجاری، استفاده پرتواتر از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای و کثیری از اقدامات اختلال زای تجاری دیگر در پرتو این موضوع قابل تفسیر است که البته به ناکارآمدی، پیش‌بینی ناپذیری و عدم شفافیت سیاست‌های تجاری منجر شده است.

۴- ساختار نامناسب بودجه دولت و اثر پذیری نرخ ارز از درآمدهای نفتی: وابستگی مزمن ساختار بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، موجب شده است تا بخش اعظم عرضه ارز که بطور طبیعی و در غیاب یک چنین منابعی باید از تعادل تراز تجاری کشور یعنی صادرات غیرنفتی و واردات و بر اساس نرخهای برابری حاصل از عرضه و تقاضا تامین شود، به عنوان یک متغیر برونزا در خارج از سیستم تجارت خارجی (بدون نفت) تعیین شود. همین عامل به شدت بر پایین نگه داشته شدن نرخهای برابری اسعار خارجی به پول ملی موثر بوده و موجب شده است تا پول ملی در برابر ارزهای خارجی به شکل تصنعی تقویت شود. در واقع نتیجه حاصل از چنین ساختاری و تزریق ارزهای نفتی، تعیین نرخ ارز در سطوحی پایین تر از سطح تعادل طبیعی آن را امکان پذیر ساخته که به منزله دوپینگ نظام ارزی به ضرر تولید داخلی و اعطای قدرت کاذب به پول ملی و در نتیجه تضعیف قدرت رقابت تولیدات داخلی در برابر محصولات انجامیده است.

#### ۶-۲. ناکارآمدی و کاستی‌های سیاست تجاری

صرفنظر از موضوع سیاست ارزی، راهبردها و اقدامات اتخاذ شده در حوزه سیاست‌های تجاری در طول سال‌های گذشته دارای نارسائی‌ها و اشکالات متعددی است که به نتایج و دستاوردهای زیانباری برای اقتصاد کشور منتهی شده است. رتبه نامناسب کشور در اغلب شاخص‌های بین‌المللی نظیر شاخص توانمندسازی تجاری، شاخص سهولت کسب و کار، شاخص آزادی اقتصادی، شاخص رقابت‌پذیری و شاخص عملکرد لجستیک در عمل تا حدزیادی محصول چنین ناکارآمدی‌هایی در حوزه سیاست تجاری است. برخی از این نارسائی‌ها و کاستی‌ها عبارتند از:

۱. بی‌ثباتی نظام تعرفه‌ای و تجاری کشور: بی‌ثباتی و تغییرات پی در پی نرخهای تعرفه و سیاست تجاری متاثر از فراز و فرود درآمدهای نفتی را می‌توان در زمره آسیب‌زا ترین و اختلال آفرین‌ترین سیاست تعرفه‌ای کشور دانست که تبعات زیانبار و پر دامنه‌ای را برای اقتصاد کشور در بر داشته است. این بی‌ثباتی امکان برنامه ریزی بلندمدت را از بنگاه‌ها و فعالین اقتصادی سلب و پیش‌بینی پذیری نظام تجاری ایران را به شدت خدشه‌دار نموده است.

۲. طولانی بودن مدت حمایتها و فقدان عنصر زمان در حمایتهای تجاری اعطا شده: در هیچیک از سیاستهای حمایتی کشور از صنایع و محصولات تحت حمایت، سراخی از بحث فراغت و بالندگی آنها در یک بازه زمانی معقول مشاهده نمی‌شود و این حمایتها



- علی‌الدوام و بی‌وقفه و فارغ از نتایج کارکردی آنها و بدون پایش و نظارت جدی بر دستاوردهای هدف گذاری شده اعطا شده است که خود عاملی مهم برای ناکارآمدی و عدم انگیزش کافی برای بهبود مستمر کیفیت و قدرت رقابت‌پذیری محسوب می‌شود. وضعیت صنعت خودروی کشور مثال روشن و نمونه بارزی از این دست حمایت‌های بی‌حساب و کتاب و غیر زمان‌مند است که سرنوشت اسف باری را برای آن به بار آورده و به ناتوانی‌های ساختاری متعددی منجر شده است.
۳. عدم استفاده از ابزارهای نوین دفاع تجاری ( اقدامات ضد قیمت شکنی، حفاظتی و جبرانی ): عموم کشورها در مسیر آزادسازی های تجاری و کاهش های تعرفه ای، امکان بهره گیری از سازوکارهای دفاع تجاری موثری که در خود نظام تجاری چندجانبه تعبیه شده است را دارند. برای ایران که از کانون این تحولات دور بوده است، هنوز ردپای روشنی از کاربرد این ابزارها در سیاست تجاری کشور نمی توان یافت که نقیصه‌ای مهم در حوزه سیاست‌های تجاری محسوب می‌شود و فقدان آن تمسک به اقدامات نامتعارف تجاری را ناگزیر ساخته است.
۴. رویکرد سنتی به ابزارهای حمایت و عدم توجه کافی به رویکردهای نوین حمایتی: در جهان بهم پیوسته امروز تقریباً ابزار تعرفه‌ها تدریجاً نقش سنتی خود را در ایجاد پوشش‌های حمایتی موثر و رقابت‌آفرین برای تولیدات داخلی از دست داده است و کشورها با ورود به بستر همکاریهای چندجانبه و حضور فعالانه در زنجیره جهانی ارزش و از طریق ایجاد همکاریهای فناورانه، نسبت به توانمندسازی اقتصاد خود مبادرت می‌ورزند. رواج روزافزون و شیوع فوق‌العاده انواع سازوکارها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای در قالب اتحادیه‌های گمرکی، مناطق تجارت آزاد و ترجیحات تجاری، خود گواهی بر روند مسلط این پدیده بر مناسبات تجاری کشورها با یکدیگر است. دوری ایران از روند تحولات نظام تجاری چندجانبه، موجب عدم توسعه یافتگی و مانع از بلوغ نسبی سیاستهای تجاری ایران و حضور موثر در زنجیره جهانی ارزش شده است.
۵. ساختار متصلب حمایتها و فقدان تعرفه‌های صفر در رژیم تعرفه‌ای ایران: مقایسه ساختار تعرفه‌ای ایران با ساختار تعرفه‌ای کشورهای دیگر جهان، نشان از متصلب نسبی ساختار تعرفه‌های کشور دارد. در حال حاضر هیچ نرخ تعرفه صفری در رژیم تعرفه‌ای کشور وجود ندارد در حالی که بیش از یک چهارم متوسط نرخهای تعرفه کشورهای جهان معاف از تعرفه است ( International Trade and Market

- Access Data, WTO.ORG). اثر این تعرفه‌های ایذایی در بخش وسیعی از نهاده های تولید منجر به افزایش قیمت تمام شده تولیدات داخلی و از دست رفتن قدرت رقابت آنها و به ویژه تضعیف موقعیت رقابتی محصولات صادراتی گشته است.
۶. بلاتکلیفی در تعیین حوزه‌های اولویت دار و روزمره‌گی در تعیین نرخهای تعرفه: ابهام در الگوی توسعه بویژه توسعه صنعتی، عدم وجود فهرستی معین از ترجیحات و اولویت های بخشی در رشته‌های مختلف تولیدی و صنعتی، ابهام درمزیت های نسبی و رقابتی کشور و اولویتهای آن از جمله مهمترین ضعف های کشور در این حوزه بشمار میرود.
۷. فقدان برنامه روشن برای اصلاحات تجاری و عدم حضور جدی در پیمان ها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای: برغم اینکه کشور از حدود یک دهه قبل حضور در چنین ترتیباتی را اراده کرده است، اما تاکنون فاقد یک برنامه روشن و بلندمدت برای حضور فعالانه در چنین موافقت نامه‌ها، پیمان‌ها و مجامعی است.
۸. بالا بودن تعرفه‌ها در بخش های رقابت پذیر تولید داخلی: نرخهای تعرفه بالا برای محصولات نظیر فرش دستباف، زعفران، خرما، پسته و بسیاری دیگر از مرکبات که جزو اقلام عمده صادراتی کشور محسوب می شود و گاه کشور در تولید جهانی آن از سهم انحصاری و قابل توجهی برخوردار است، هیچ توجیه منطقی ندارد. خاطر نشان می شود که تجارت درون صنعت پدیده ای شایع در جهان معاصر بشمار می آید که بیشتر ناشی از تفاوت ساختار هزینه بنگاه ها، تمایز کالاهای و اختلاف سلیقه مصرف کنندگان است که در عین حال باز بودن پنجره رقابت را در همه حوزه ها تضمین کرده و علاوه بر افزایش رفاه مصرف کنندگان موجبات ارتقا و بهبود مداوم کیفیت را نیز فراهم می سازد.
۹. اثرات لابی‌گری و گروه‌های فشار در تعیین تعرفه ها در غیاب برنامه های استراتژیک و راهبردی: در غیاب برنامه‌های بلندمدت و شفاف برای حمایت تجاری و تعرفه‌ای از صنایع اولویت دار، نقش لابی‌گری ها و گروه های فشار در تعیین روزمره تعرفه ها افزایش می‌یابد. این موضوع خود موجب رانت‌جویی و بروز زمینه‌های فساد در نظام اداری و بوروکراتیک شده که مفاسد و تبعات زیانبار متعددی را بدنبال دارد.
۱۰. عدم نگاه منطقی به موضوع قاچاق و تجارت از مسیرهای غیر رسمی در تنظیم تعرفه‌ها: قاچاق کالاهای وارداتی در ایران طی سال‌های اخیر به مقیاس‌های گسترده و بی

سابقه‌ای دست یافته است که علاوه بر اینکه پیامدها و تبعات سوء و ناگوار فراوانی را در حوزه‌های مختلف به همراه آورده است، اثربخشی سیاست‌های تجاری کشور را نیز خنثی و زائل نموده است. در این خصوص اثر سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای و قوانین و مقررات نامناسب را در ترویج و تشدید این پدیده نمی‌توان نادیده گرفت.

### ۶-۳. نارسائی سایر سیاست‌های مکمل سیاست تجاری

در سایر حوزه‌ها نیز ناکارآمدی‌ها و نارسائی‌های متعدد دیگری وجود دارد که اثربخشی و انسجام سیاست‌های تجاری با سیاست‌های اقتصادی دیگر را خدشه دار می‌نماید. از این میان می‌توان از سیاست‌های مربوط به مناطق آزاد تجاری، ضعف استانداردها و نظام فنی حاکم بر تجارت خارجی و ناکارآمدی و عدم بلوغ سیاست‌های مالیاتی بعنوان ابزارهای جانشین تعرفه در بسیاری از حوزه‌ها نام برد.

#### ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات و توصیه‌های سیاستی

مهم‌ترین عامل خنثایی و بی‌تاثیری سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای کشور در تجارت خارجی و ایجاد حمایت‌های واقعی از تولید را باید در نامناسب بودن سیاست‌های ارزی و اضافه‌نمایی نرخ‌های تعرفه اسمی نسبت به حمایت‌های واقعی ناشی از تثبیت نرخ ارز، انتقال شوک‌ها و نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی، بی‌ثباتی نظام تجاری و تعرفه‌ای، حمایت‌های بی‌قید و شرط و طولانی، فقدان تدابیر دفاع تجاری موثر، رویکرد سنتی به مقوله حمایت، نامتناسب بودن ساختار تعرفه‌ها، فقدان اولویت بندی صنایع هدف، عدم حضور جدی در ترتیبات تجاری منطقه‌ای، عدم شفافیت و اثرات لابی‌گری گروه‌های فشار، تجارت از مسیرهای غیررسمی و قاچاق و ناکارآمدی و عدم بلوغ سیاست‌های مالیاتی کشور به عنوان مجموعه سیاست‌های مکمل سیاست تجاری دانست. برای این منظور و در راستای اصلاح وضع موجود، مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی در این زمینه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. اجرای کامل ماده ۱۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه مبنی بر واریز افزایشی بخشی از درآمدهای ارزی به حساب صندوق توسعه ملی و دورنگه داشتن منابع آن از سرریز در بودجه دولت و تجارت خارجی

۲. تعهد جدی به سیاست نرخ شناور مدیریت شده ارز و اجتناب از تثبیت دستوری آن
  ۳. ایجاد هماهنگی و انسجام میان سیاست‌های اقتصادی، مالی، ارزی و تجاری
  ۴. استفاده از سازوکارها و ابزارهای نوین دفاع تجاری همچون اقدامات ضدقیمت شکنی، عوارض جبرانی و اقدامات حفاظتی
  ۵. تمرکز حمایت‌های تجاری بر بخش‌ها و حوزه‌های ویژه در چارچوب سیاست استراتژیک تجاری متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصاد ملی
  ۶. ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش شفافیت در محیط کسب و کار
  ۷. اصلاح قوانین و مقررات و نهادهای اختلال‌زا و ثبات‌زدا از حوزه سیاست‌های تجاری کشور
  ۸. رویکرد جدید به مقوله سیاست تجاری مدرن در بستر زنجیره جهانی ارزش و تمرکز بر کاهش هزینه‌های مبادله
  ۹. رویکرد مشارکت‌جویانه به همکاری‌های تجاری و حضور موثر در پیمان‌های تجاری منطقه‌ای با کشورهای پیرامونی
  ۱۰. استفاده کارآمد از نظام مالیاتی و نظام فنی و توسعه کاربردهای آن در تجارت خارجی
  ۱۱. اجتناب از حمایت‌های تجاری و تعرفه‌ای سراسری و بدون زمان‌بندی مشخص و بی‌ضابطه در جهت افزایش کارآمدی بنگاه‌ها
  ۱۲. مبارزه جدی با قاچاق کالا و کاهش نرخ‌های تعرفه در محصولات قاچاق‌پذیر
- لازم به ذکر است که در شرایط حاضر با خروج آمریکا از برجام و بازگشت عنقریب تحریم‌های یکجانبه این کشور، مهم‌ترین نگرانی و بیمی که از خطرات این اقدام متوجه نظام اقتصادی و تجاری کشور می‌شود، افزایش هزینه‌های مبادله و تحمیل تورم وارداتی بر اقتصاد کشور است. بدیهی است جبران بخشی از چنین تهدیدی، با کاهش موانع تجاری و تسهیل تجارت و بدون اینکه در سطح حمایت‌های پیشین خللی ایجاد شود، میسر است و این دقیقاً همان پنجره موقتی است که برای بازنگری و اصلاح سیاست‌های تجاری کشور اکنون در پیش روی ما قرار دارد.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۴۳

جدول شماره (۱) - میانگین ساده نرخ‌های تعرفه ایران از سال ۱۳۸۱ به بعد

سال	کل اقتصاد		محصولات کشاورزی		محصولات صنعتی	
	تعداد	میانگین ساده	تعداد	میانگین ساده	تعداد	میانگین ساده
۸۱	۵۱۱۲	۲۶,۸	۶۷۲	۲۴,۹۳	۴۴۴۰	۲۷
۸۲	۵۲۵۲	۳۰,۸	۸۰۳	۳۲,۱	۴۴۴۹	۳۰,۶
۸۳	۶۷۷۰	۲۲,۶	۹۹۶	۳۰,۶	۵۷۷۴	۲۱,۲۷
۸۴	۶۹۰۵	۲۲,۹	۸۷۳	۳۰,۵	۶۰۳۳	۲۱,۷۳
۸۵	۶۹۲۸	۲۶,۷۴	۸۵۱	۳۷,۹۷	۶۰۷۷	۲۵,۱۷
۸۶	۶۷۳۳	۲۵,۵۴	۸۲۵	۲۹,۵۲	۵۹۰۸	۲۴,۹۸
۸۷	۶۷۵۹	۲۴,۹۸	۸۲۸	۲۷,۶۱	۵۹۳۱	۲۴,۶۱
۸۸	۶۸۶۸	۲۴,۹۶	۸۶۹	۲۸,۰۸	۵۹۹۹	۲۴,۵۱
۸۹	۶۹۰۴	۲۵,۴۹	۸۷۱	۲۹,۴۸	۶۰۳۳	۲۴,۹۱
۹۰	۶۹۳۴	۲۵,۵۴	۸۷۶	۲۹,۵۱	۶۰۵۸	۲۴,۹۶
۹۱	۷۱۲۲	۲۶,۲۰	۹۶۵	۳۲,۰۴	۶۱۵۷	۲۵,۲۸
۹۲	۷۰۱۹	۱۹,۲	۹۵۶	۲۸,۵	۶۰۶۳	۱۷,۷
۹۳	۷۲۴۷	۱۹,۶۵	۹۵۹	۲۸,۸۳	۶۲۸۸	۱۸,۲۴
۹۴	۷۳۰۹	۱۸,۶۷	۱۱۳۰	۲۶,۴۳	۶۱۷۹	۱۷,۱۲
۹۵	۷۳۸۱	۲۲,۵۱	۱۱۳۳	۳۱,۷۷	۶۲۴۸	۲۰,۸۳
				۲۶,۳۷		۱۶,۶۶
۹۶	۷۶۶۲	۱۹,۲۱	۱۱۸۹	۲۸,۸۷	۶۴۷۳	۱۷,۴۴

منبع: محاسبات تحقیق از جدول تعرفه های مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۶. آمارهای ردیف اول نرخ‌های تعرفه در سال ۱۳۹۵ با احتساب سایر عوارض و حقوق ورودی است.

جدول (۲) - رتبه مقایسه‌ای ج.ا.ایران در میان ۲۰ کشور با بالاترین نرخهای تعرفه جهان

رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه کاربردی در سطح کل اقتصاد	سال
۱	باهاما	۳۳,۲۲	۲۰۱۶
۲	ج.ا.ایران	۲۲,۵۱	۲۰۱۶
۳	بوتان	۲۲,۲۹	۲۰۱۵
۴	الجزایر	۱۸,۸۷	۲۰۱۶
۵	ج.آفریقای مرکزی	۱۸	۲۰۱۶
۶	مصر	۱۷,۸۸	۲۰۱۶
۷	چاد	۱۷,۸۷	۲۰۱۶
۸	گابن	۱۷,۶۹	۲۰۱۶
۹	اتیوپی	۱۷,۴۱	۲۰۱۵
۱۰	زیمبابوه	۱۷,۳۷	۲۰۱۶
۱۱	کومور	۱۵,۳۲	۲۰۱۵
۱۲	ازبکستان	۱۴,۸۵	۲۰۱۵
۱۳	کره شمالی	۱۳,۹۰	۲۰۱۶
۱۴	زامبیا	۱۳,۹۰	۲۰۱۶
۱۵	بنگلادش	۱۳,۸۷	۲۰۱۶
۱۶	آرژانتین	۱۳,۷۳	۲۰۱۶
۱۷	برزیل	۱۳,۵۳	۲۰۱۶
۱۸	هند	۱۳,۳۹	۲۰۱۶
۱۹	تانزانیا	۱۲,۸۶	۲۰۱۶
۲۰	کنیا	۱۲,۸۱	۲۰۱۶

منبع: در مورد ایران میانگین نرخ تعرفه ایران از جدول تعرفه های مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۶ محاسبه و در مورد سایر کشورها از اطلاعات و داده های منبع زیر استفاده شده است:

International Trade and Market Access Data, WTO.ORG -

[https://www.wto.org/english/res\\_e/statis\\_e/statis\\_bis\\_e.htm](https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm)

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۴۵

جدول (۳)- رتبه مقایسه‌ای ج.ا.ایران در میان ۲۰ کشور با بالاترین نرخهای تعرفه جهان در بخش

کشاورزی و صنعت

رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش کشاورزی	سال	رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش صنعت	سال
۱	مصر	۶۱	۲۰۱۶	۱	باهاما	۳۵,۵۸	۲۰۱۶
۲	کره جنوبی	۵۶,۸۵	۲۰۱۶	۲	ج.ا.ایران	۲۰,۸۳	۲۰۱۶
۳	ترکیه	۴۳,۱۸	۲۰۱۶	۳	بوتان	۱۹,۰۴	۲۰۱۵
۴	بوتان	۴۱,۸۳	۲۰۱۵	۴	الجزایر	۱۸,۱۲	۲۰۱۶
۵	نروژ	۳۹,۸۲	۲۰۱۶	۵	آفریقای مرکزی	۱۷,۳۸	۲۰۱۶
۶	سوئیتزلند	۳۴,۱۶	۲۰۱۶	۶	چاد	۱۷,۲۷	۲۰۱۶
۷	هند	۳۲,۷۵	۲۰۱۶	۷	گابن	۱۷,۱۱	۲۰۱۶
۸	ج.ا.ایران	۳۱,۷۷	۲۰۱۶	۸	اتیوپی	۱۶,۶۳	۲۰۱۵
۹	تونس	۳۱,۰۱	۲۰۱۶	۹	زیمبابوه	۱۵,۸۶	۲۰۱۶
۱۰	تایلند	۳۰,۹۵	۲۰۱۵	۱۰	کومور	۱۵,۷۸	۲۰۱۵
۱۱	مراکش	۲۷,۵۷	۲۰۱۶	۱۱	آرژانتین	۱۴,۳۰	۲۰۱۶
۱۲	زیمبابوه	۲۶,۴۴	۲۰۱۶	۱۲	ازبکستان	۱۴,۱۶	۲۰۱۵
۱۳	ایسلند	۲۴,۴۱	۲۰۱۶	۱۳	برزیل	۱۴,۱۲	۲۰۱۶
۱۴	سريلانکا	۲۳,۷۰	۲۰۱۵	۱۴	بنگلادش	۱۳,۳۶	۲۰۱۶
۱۵	الجزایر	۲۳,۳۸	۲۰۱۶	۱۵	زامبیا	۱۳,۰۳	۲۰۱۶
۱۶	آنغولا	۲۳,۲۲	۲۰۱۶	۱۶	ونزوئلا	۱۲,۴۷	۲۰۱۶
۱۷	ناوارو	۲۲,۱۶	۲۰۱۶	۱۷	موریتانی	۱۲,۲۰	۲۰۱۵
۱۸	اتیوپی	۲۲,۰۸	۲۰۱۵	۱۸	پاکستان	۱۱,۸۷	۲۰۱۶
۱۹	چاد	۲۱,۹	۲۰۱۶	۱۹	نیال	۱۱,۷۵	۲۰۱۶
۲۰	گویان	۲۱,۷۷	۲۰۱۶	۲۰	تانزانیا	۱۱,۵۹	۲۰۱۶

منبع: در مورد ایران میانگین نرخ تعرفه ایران از جدول تعرفه های ملی مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۶ محاسبه و در مورد سایر کشورها از اطلاعات و داده های منبع زیر استفاده شده است:

- International Trade and Market Access Data, WTO.ORG

[https://www.wto.org/english/res\\_e/statis\\_e/statis\\_bis\\_e.htm](https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm)

جدول شماره (۴) - نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

بخش (۱): نتایج آزمون ریشه واحد برای حالت با عرض از مبدا				
حالت تفاضل مرتبه اول		حالت سطح		متغیرها
آماره ADF	ارزش احتمال	آماره ADF	ارزش احتمال	
-5.744	0.000	-2.929	0.049	واردات
-7.625	0.000	-2.212	0.205	نرخ تعرفه
-7.094	0.000	-0.045	0.949	نرخ ارز غیر رسمی
-5.690	0.000	0.633	0.989	شاخص قیمت نسبی واردات
-4.147	0.002	-2.103	0.245	GDP واقعی
بخش (۲): نتایج آزمون ریشه واحد برای حالت با عرض از مبدا و روند زمانی				
حالت تفاضل مرتبه اول		حالت سطح		متغیرها
آماره ADF	ارزش احتمال	آماره ADF	ارزش احتمال	
-5.865	0.000	-2.5269	0.3145	واردات
-7.624	0.000	-3.689	0.0316	نرخ تعرفه
-7.207	0.000	-2.0582	0.5567	نرخ ارز غیر رسمی
-5.847	0.000	-2.0549	0.5583	شاخص قیمت نسبی واردات
-4.223	0.008	-2.8462	0.1881	GDP واقعی

منبع: یافته‌های تحقیق



تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۴۷

جدول شماره (۵) - نتایج آماره F باند برای آزمون فرضیه عدم وجود همجمعی (رابطه بلند مدت) بین

متغیرهای تحقیق

آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	مقادیر بحرانی برای آزمون فرضیه عدم وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای تحقیق					
			حجم نمونه ۱۰۰۰ مشاهده		حجم نمونه ۵۵ مشاهده		حجم نمونه ۵۰ مشاهده	
			تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند	تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند	تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند
آماره آزمون F	4.875	10%	2.450	3.520	2.578	3.71	2.614	3.746
تعداد متغیر توضیحی	4	5%	2.860	4.010	3.068	4.334	3.136	4.416
تعداد مشاهدات	51	1%	3.250	4.490	4.244	5.726	4.306	5.874

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۶) - نتایج تخمین ضرایب بلند مدت و کوتاه مدت

متغیر توضیحی	بخش الف: ضرایب بلند مدت			
	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	ارزش احتمال
LGDP	1.79 3	0.190	9.42 2	0.000
LNOFEXR	- 0.14 2	0.047	- 3.04 6	0.005
LRIP	- 0.46 1	0.172	- 2.68 0	0.011
LTAR	- 0.15 4	0.312	- 0.49 5	0.624

بخش ب: ضرایب کوتاه مدت				
ارزش احتمال	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر توضیحی
0.000	5.062	0.974	4.933	C
0.342	0.964	0.316	0.305	D(LGDP)
0.797	0.260	0.349	0.091	D(LGDP(-1))
0.707	0.379	0.323	0.122	D(LGDP(-2))
0.000	4.791	0.341	1.633	D(LGDP(-3))
0.000	4.490	0.184	0.824	D(LNOFEXR)
0.107	1.658	0.194	0.322	D(LNOFEXR(-1))
0.587	0.548	0.217	0.119	D(LNOFEXR(-2))
0.012	2.668	0.185	0.492	D(LNOFEXR(-3))
0.001	3.477	0.170	0.590	D(LRIP)
0.003	3.230	0.158	0.511	D(LRIP(-1))
0.012	2.647	0.171	0.453	D(LRIP(-2))
0.001	3.813	0.094	0.357	D(LTAR)
0.000	5.228	0.086	0.449	CointEq(-1)*
بخش ج: آزمون های تصریح				
			0.730	ضریب تعیین
			0.635	ضریب تعیین تعدیل شده
	0.287	1.244		آزمون ناهمسانی واریانس بروش-پاگان (ارزش احتمال)
	0.396	0.955		آزمون خودهمبستگی LM (ارزش احتمال)
	0.331	0.974		آزمون درستی فرم تبعی مدل Ramsey (ارزش احتمال)
	0.868	0.282		آزمون نرمال بودن جمله خطا جاکو-برا (ارزش احتمال)

منبع: یافته‌ها و محاسبات تحقیق

## پی‌نوشت

۱. برای جزئیات بیشتر بنگرید به: Doing Business 2018, World Bank, page 167
۲. برای جزئیات بیشتر در خصوص سیاست‌های غیرتعرفه‌ای بنگرید به زاهدطلبان، علی (۱۳۹۴)، گزارش پشتیبان و احکام مربوط به سیاست‌های غیر تعرفه‌ای ایران برای درج در برنامه پنجساله ششم، مرکز اسناد موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فروردین ماه ۱۳۹۴.
۳. نمودار آن در مستندات تحقیق موجود است که به دلیل محدودیت صفحات از ارائه آن در مقاله خودداری شد.
۴. برای جزئیات بیشتر در این مورد بنگرید به زاهدطلبان، علی (۱۳۸۵)، "تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم کردن ابزارهای تعرفه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۲ و ۳.

## کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نسرین؛ آذربایجانی، کریم؛ طیبی، سید کمیل (۱۳۹۳)، "اثرات موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بر تجارت صنعتی ایران با استفاده از مدل تصحیح خطا"، نشریه مدلسازی اقتصادسنجی: سال اول، شماره ۳
- ابریشمی، حمید و همکاران (۱۳۸۵)، "تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی: شماره ۴۰
- بیدآباد، بیژن (۱۳۷۶). "الگوی اقتصادسنجی کلان ایران"، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- پورمقیم، سید جواد (۱۳۷۹)، "برآورد سری زمانی تابع تقاضای واردات ایران: یک تحلیل مجدد"، مجله تحقیقات اقتصادی: شماره ۵۶.
- تشکینی، احمد و باستانی علیرضا (۱۳۸۵)، "تخمین تابع تقاضای واردات برای اقتصاد ایران (۱۳۸۲-۱۳۳۸)", فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی: شماره ۴۰.
- صالحیان صالحی‌نژاد، زهرا، حیدری، حسن و سلیمان فیضی، حسن (۱۳۹۳)، "تحلیل واکنش نراز تجاری ایران نسبت به تغییرات نرخ ارز با استفاده از رویکرد پارامتر زمان متغیر"، پژوهشنامه اقتصادی: سال چهاردهم، شماره ۵۴
- زاهدطلبان، علی (۱۳۸۵)، "تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم کردن ابزارهای تعرفه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی: شماره ۲ و ۳.

زاهدطلبان، علی (۱۳۹۴)، "گزارش پشتیبان و احکام مربوط به سیاست‌های غیر تعرفه‌ای ایران برای درج در برنامه پنجساله ششم"، مرکز اسناد موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی: فروردین ماه ۱۳۹۴.

کروگمن، پاول (ویراستار، ۱۳۷۷)، "سیاست استراتژیک تجاری"، ترجمه احمد اخوی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

لطفعلی پور، محمد رضا، زین لیان، اکرم و اشرفی، نازگل (۱۳۹۱)، "بررسی تاثیر کاهش موانع تعرفه‌ای بر واردات کل کالا در ایران با استفاده از مدل ARDL"، فصلنامه راهبرد اقتصادی: سال اول، شماره سوم.

محسنی، رضا (۱۳۸۵)، "تأثیر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات در ایران: مطالعه کلایی"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی: شماره ۴۱.

"مقررات صادرات و واردات"، شرکت چاپ و نشر بازرگانی: سالهای مختلف.

Arize, A. C and Nippani, S (2010). "Import Demand Behavior in Africa". *The Quarterly Review of Economics and Finance*(50): 254–263.

Chris Jones .(2008). "Aggregate and Sector Import Price Elasticities for a Sample of African Countries, Centre for Research in Economic Development and International Trade", University of Nottingham, CREDIT Research Paper, No. 08/03

Dean, J. M. et al (1994). "Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985: A Review of the Evidence". *World Bank Discussion Papers*(267).

Dutta, D. and Ahmed, N (2001). "An Aggregate Import Demand Function for India: A Cointegration Analysis". *Working Paper. The University of Sydney*.

Graff, V.J (1949). "On Optimum Tariff Structures". *Review of Economic Studies*(1).

Greenaway, D. , Wyn Morgan and Peter Wright, (2002) *Trade liberalisation and growth in developing countries. Journal of Development Economics*, 2002, vol. 67, issue 1, 229-244

H. S. Houthakker and S. P. Magee, "Income and Price Elasticities in World Trade," *Review of Economics and Statistics*, Vol. 51, No. 2, 1969, pp. 111-125. doi:10.2307/1926720

Hoque M.H. and Z. Yusop (2010). "Impacts of Trade Liberalisation on Aggregate Import in Bangladesh: An ARDL Bounds Test Approach". *Journal of Asian Economics*(21): 37–52.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ۵۱

[https://www.wto.org/english/res\\_e/statis\\_e/statis\\_bis\\_e.htm](https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm)

*International Trade and Market Access Data, WTO.ORG*

*Jong-Wa-Lee (1992). " International Trade, Distorrions, and Long-Run Economic Growth". IMF Working Paper.*

*Kaldor, N (1940). " A Note on Tariffs and the Terms of Trade". Economica(7).*

*Khan, M.S (1974). "Import and Export Demand in Developing Countries". IMF staff paper (3): 678-693.*

*Khan, M.S. , and Zahler, R (1985). "Trade and Financial Liberalisation Given External Shocks and Inconsistent Domestic Policies". IMF Staff Papers:22–25.*

*Samuel, G.M. (2015). "Trade Liberalization and Disaggregated Import Demand in Uganda". Modern, Economy, 6, 316-337.  
<http://dx.doi.org/10.4236/me.2015.63030>*

*Santos-Paulino AU (2002). "The Effect of Trade Liberalization on Imports in Selected Developing Countries". World Development (30):959- 974.*

*TARIFF PROFILE 2017 & 2016, WTO. ORG.*

*World Bank ,Doing Business 2o18.*